

وضعیت شاخص‌های کارآفرینی در بین دانش‌آموزان شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش علی خاتمی^۱، حامد شاه حسینی^۲

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی و مقایسه شاخص‌های کارآفرینی دانش‌آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۸۷ انجام شد. جامعه آماری مورد مطالعه را، کلیه دانش‌آموزان سال دوم و سوم دبیرستان‌ها، هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش شهر تهران تشکیل می‌دهند، نمونه آماری از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انجام شد و حجم نمونه آماری با توجه به جدول مورگان برای شاخه‌های نظری ۳۷۹ نفر، فنی و حرفه‌ای و کاردانش هر کدام ۳۵۴ نفر به دست آمد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه‌ای شامل ۵۴ سوال با درجه بندی لیکرت استفاده شد. این ابزار بر اساس نظریه مک کلند (۱۹۶۳)، جاکوبوتیز و وایلد (۱۹۸۲)، نوه‌ریا و گولاتی (۱۹۹۶)، لایز و برونکه‌هاوس (۱۹۸۰) و اتکینسون و روتر (۱۹۶۴) می‌باشد و توسط صمدآقایی (۱۳۸۵) تهیه شده است. این پرسشنامه از شاخص‌های انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک‌پذیری و کنترل درونی تشکیل شده است. ابزار پژوهش توسط دانش‌آموزان سال دوم و سوم هنرستان‌ها و دبیرستان‌ها تکمیل شد. برای تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه‌ها، روایی محتوایی آن با نظر خواهی از متخصصان مورد تایید قرار گرفت. علاوه بر آن به منظور برآورد همسانی درونی بین سوال‌ها و مولفه‌ها از روش محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج ضریب آلفای مولفه

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

انگیزه پیشرفت (۰,۸۵)، تمایل به ریسک و مخاطره (۰,۸۹)، گرایش به خلاقیت (۰,۸۷)، کنترل درونی (۰,۸۶)، نیاز به استقلال (۰,۹۰)، شاخص کلی (۰,۸۵) به دست آمد. نتایج استفاده از روش آماری تحلیل واریانس یک طرفه ANOVA نشان داد که بین شاخص‌های کارآفرینی دانش آموزان شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش در سطح معناداری (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک‌پذیری، کنترل درونی، دانش آموزان دبیرستان.

مقدمه

در عصر حاضر، ریشه تحولات و دگرگونی‌های مختلف نظام‌های اجتماعی- اقتصادی در پیشرفت‌ها و تغییرات ناشی از علم و تکنولوژی نهفته است. بی تردید، سازمان‌های موجود در کشورمان با تحولات و تغییرات گسترده‌ای در داخل و در سطوح بین‌المللی مواجه هستند. از این رو، تضمین تداوم حیات و بقای سازمان‌ها مستلزم ارائه راه‌حل‌ها و روش‌های جدید مقابله با مشکلات است که به خلاقیت و نوآوری در روش‌ها، فرآیندها و محصولات جدید بستگی دارد. در این میان، از کارآفرینی به عنوان موتور حرکت توسعه و پیشرفت یاد می‌شود و این شاخص به یکی از مشخصه‌های اصلی تمایز بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تبدیل شده است (پرداختچی و شفیع زاده، ۱۳۸۵).

این عصر را، عصر دیجیتال می‌نامند که، اطلاعات به سرعت از طریق سیستم‌های ارتباطی، بی سیم، نوری و ماهواره‌ای منتقل می‌شود و از جمله ویژگی‌های آن قدرت بیشتر در ازای هزینه کمتر، قدرت پردازش و حافظه است. در انقلاب اینترنتی، مهم‌ترین رسانه گروهی ارتباطی پس از تلویزیون، اینترنت است و اینترنت همه‌ی راه‌های ارتباطی دیگر مثل پست، روزنامه، مجله، تلفن، رادیو و تلویزیون را یک جا در خود دارد و هرکس می‌تواند اطلاعات کاملی به دست آورد (احمدپور، ۱۳۸۰). عصر حاضر را برخی از صاحب نظران، عصر کارآفرینانه نام گذاری کرده‌اند. کارآفرینان انقلابی را هدایت می‌کنند که منجر به تحول و نوسازی اقتصادی در پهنه جهانی شده است (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۸۵). در حقیقت کارآفرینی به عنوان یک بینش، فرهنگ و رویکرد نوین سازمانی از جمله مهم‌ترین دستاوردهای بین رشته‌ای علوم اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و روانشناسی در چند دهه گذشته است که از ابتدا در سازمان‌های تولیدی و صنعتی و سپس در سایر سازمان‌های اجتماعی و خدماتی مورد توجه دولتمردان و سیاست‌گذاران کلیه

کشورها قرار گرفته است (مرادی، ۱۳۸۵). هیسریچ^۱ (۱۹۸۵) کارآفرینی را فرآیند خلق چیز نو، با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرات مالی، روحی و اجتماعی برای به دست آوردن منابع مالی، رضایت شخصی و استقلال می‌داند. همچنین ویلکن^۲ (۱۹۹۲) کارآفرینی را به عنوان یک تسریع‌کننده جرقه رشد و توسعه اقتصادی معرفی می‌کند. کارآفرین، سازمان دهنده بنگاه اقتصادی است و در عملکرد تولید و توزیع نقش دارد و با فراهم آوردن سرمایه جهت کامیابی باید از واسطه‌گری، پشتکار و دانش پیرامون جهان و تجارب و مدیریت بهره‌مند باشد (مرادی به نقل از ژان بایست سی ۱۸۰۳). کارآفرینان را، با صفات خلاق، آرمان‌گرا، با انگیزه و اعتماد به نفس، ریسک‌پذیر، توفیق‌طلب، اهل کار و عمل، پیشگام و ... معرفی می‌کنند و می‌توان به صراحت ادعا کرد که کارآفرینان از ابتدای خلق بشر حضور داشته و تمامی تحولات بشریت مدیون تلاش‌های آنان است. لذا کلیه فعالیت‌های هدفمند انسان می‌تواند به روش کارآفرینانه انجام شود. در حقیقت کارآفرینی یک شیوه زندگی است که تنها در حرفه و شغل مطرح نیست. یک هنرمند هم، زمانی یک کارآفرین است که به خلق یک اثر بدیع و ارزشمند می‌پردازد و می‌تواند آن را به درستی عرضه نماید.

پرورش کارآفرینی در توسعه و تقویت رقابت، در اقتصاد جهانی بسیار مهم است. در این میان نقش کیفیت آموزش کارآفرینی در شناسایی و پرورش این قابلیت‌ها برای دانش‌آموزان، مریبان و سیاست‌گذاران کاملاً آشکار شده است. آموزش کارآفرینی از طریق افزایش دانش تجاری و ارتقای روان‌شناختی نسبت به تربیت کارآفرینان انجام می‌پذیرد (پرداختچی و شفیع‌زاده، ۱۳۸۵). کاریلسکی و والسند (۱۹۹۸) پیشنهاد کردند که کارآفرینی باید از طریق آموزش‌های قبل از دوران دانشگاهی دنبال شود تا به عنوان یک مسیر شغلی مناسب مورد تشویق قرار گیرد.

از این رو مراکز آموزشی ما باید بتوانند، با هدف آگاه نمودن و ترویج فرهنگ روحیه کارآفرینی در بین دانش‌آموزان به وسیله برنامه‌های آموزشی ویژه از قبیل خلاقیت، توانایی شناخت و استفاده صحیح از فرصت‌ها، تمایل به مخاطره‌پذیری، استقلال و تعهد نسبت به کار و حل مشکلات، بهبود انگیزش و تمایلات فردی برای کارآفرین شدن ارائه دهند.

بهبودی و ارتقای سطح توانمندی‌های انسان‌ها و نظام اجتماعی از سیاست‌های اصلی و ماموریت‌های بایسته و شایسته یک نظام کارآمد و پویا محسوب می‌شود، همه بر این باورند که بزرگ‌ترین سرمایه هر کشور افراد جامعه می‌باشند و در واقع دانش‌آموزان هر جامعه مهم‌ترین

1. Hisrich

2. Wilkon

عامل دستیابی به اهداف آن جامعه به شمار می روند، در این میان نقش محیط آموزشی و مسئولان آموزشی در رأس آن مدیر آموزشی غیرقابل انکار است.

امروزه کار و فعالیت شکل تازه‌ای به خود گرفته است و به سوی خودکارفرمایی و خود اشتغالی در حرکت است و کارآفرینی و کارآفرینان نقش کلیدی در روند توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع مختلف ایفا می کنند (آقازاده، ۱۳۸۳). آنچه در شرایط سخت کنونی ضرورت آن در جامعه بیش از پیش احساس می شود، پرداختن به این مقوله اساسی، یعنی کارآفرینی است (آذرهوش و همکاران، ۱۳۷۷). چرا که چالش‌های اشتغال یا موضوع بیکاری نه فقط یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی روز در کشور به شمار می آید؛ بلکه با توجه به میزان رشد جمعیت در دو دهه گذشته می توان آن را مهم‌ترین چالش اجتماعی چند دهه آینده نیز به حساب آورد. پیامدهای واسطه این بحران، گسترش فقر و افزایش دیگر آسیب‌های اجتماعی از قبیل دزدی، فحشا، اعتیاد و امثال آن است که طبیعاً ثبات و انسجام اجتماعی را به مخاطره می اندازد. با توجه به مناسبت‌های اقتصادی و اجتماعی موجود در کشور و همچنین بر اساس شرایط و نیاز جامعه و بازار کار چشم به جوانان دوخته شده و مردم امیدوارانه از آن‌ها می خواهند تا کشور را از عقب ماندگی و انزوا بیرون کشانده و به پیشرفت و ترقی برسانند. فارغ التحصیلان آموزش و پرورش نیز از این امر مستثنی نیستند و بر طبق دانش و مهارت‌های آموخته شده مسیرهای شغلی متفاوتی را نیز پیش رو دارند که دو مسیر کلی قابل تمایز برای آنان به این صورت است که اولاً به استخدام درآمدن آن‌ها در يك سازمان و یا شرکت و ثانیاً راه اندازی کسب و کار جدید و مدیریت بهینه آن منطبق با دانش و مهارت‌های فرد فارغ التحصیل است.

در این میان، کارآفرینان به طور خاص دارای نقش موثرتری در فرآیند توسعه اقتصادی هستند و تحقیقات نیز نشان داده است که بین رشد اقتصادی و تعداد کارآفرینان در يك کشور همبستگی مثبت وجود دارد، زیرا کشوری که دارای تعداد زیادی کارآفرین باشد، از محرك‌های تجاری و اقتصادی قوی تری برخوردار است (وارث، ۱۳۷۹).

بنابراین وجود افراد کارآفرین در جامعه محدود به قشر خاصی از افراد با ویژگی‌های روانی و ذهنی منحصر به فرد نیست. بلکه همه باید به نوعی در جامعه کارآفرین باشند و چنانچه در محدوده عمل خود به لایه‌های کلان ملی دست یابند، قطعاً پیشتاز خواهند بود. براین اساس هر کس در جامعه در عرصه خاصی می تواند از این ویژگی بهره مند شود، به شرط این که اساس برنامه ریزی‌های آموزشی و تعلیم و تربیت ملی بر این پایه استوار باشد که نیروی انسانی کارآفرین به جامعه تحویل دهد.

افراد کارآفرین دارای ویژگی انگیزه پیشرفت (مک کلند، ۱۹۶۳)، استقلال طلبی (جاکوبووتیز و وایلدر، ۱۹۸۲)، گرایش به خلاقیت (نوهریا و گولاتی^۱، ۱۹۹۶)، ریسک‌پذیری (لایز و برونکه‌هاوس، ۱۹۸۰) و کنترل درونی (اتکینسون و روتر، ۱۹۶۴) هستند (به نقل از دبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵). در گذشته نه چندان دور پژوهشگران و صاحب‌نظران بر این عقیده بودند که این ویژگی‌ها با آن‌ها متولد می‌شود و فرض اساسی این بود که کارآفرینان از طریق آموزش، پرورش نمی‌یابند (دبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵). اما امروزه علاوه بر تحقیقات انجام شده بر اکثر دولتمردان و سیاست‌گذاران آشکار شده است که می‌توانند از طریق نظام آموزشی بر فراگیران تاثیر بگذارند و به این طریق میزان کارآفرینی را در جامعه افزایش دهند. اگر نظام آموزشی به گونه‌ای باشد که افراد بتوانند علاوه بر کسب دانش، چگونگی استفاده از آن را در محیط و بازار کار و دنیای کسب و کار نیز یاد بگیرند، تعداد کارآفرینان و به دنبال آن کسب و کارهای تازه زیاد خواهد شد. علاوه بر این، همه کارآفرینان می‌دانند که کسب و کارهای تازه نیاز به دانش و مهارت بالایی دارند (احمد پور داریانی و عزیزی، ۱۳۸۳). نتایج تحقیق رشید^۲ (۲۰۰۰) در دبیرستان‌های آمریکا نشان داد که ۸۰٪ جوانان، آموزش کارآفرینی را لازم می‌دانند و تمایل دارند درباره کارآفرینی اطلاعات بیشتری داشته باشند. براون^۳ (۲۰۰۳) آموزش کارآفرینی برای جوانان را سرمایه‌گذاری برای آینده می‌داند که تجربیات مثبتی را به آنان معرفی می‌کند تا در آینده بتوانند تصمیمات مناسب‌تری درباره اشتغال خود اتخاذ کنند. وسپر (۱۹۹۳) معتقد است احتمال شکست کارآفرینانی که تنها تجربه دارند و آموزش لازم را ندیده‌اند، زیاد است. بر عکس کارآفرینانی که هم تجربه دارند و هم آموزش دیده‌اند کاملاً موفق هستند.

تعدادی از محققان نشان داده‌اند که کارآفرینان در حرفه و صنعتی که کار خود را در آن شروع می‌کنند، دارای تجربه کاری قبلی‌اند و تجربه کاری قبلی آنان در مسیر خاصی از فعالیت‌های اقتصادی رابطه مثبت و مستقیمی با موفقیت آنان دارد (احمد پور داریانی و عزیزی، ۱۳۸۳). در مورد ویژگی‌های کارآفرینی تحقیقاتی انجام شده است که در زیر به آن‌ها اشاره خواهد شد.

خدمتی توسل (۱۳۷۹) پژوهشی با عنوان «زمینه بروز و پرورش کارآفرینی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهرستان کرج را از نظر مدیران، دبیران و دانش‌آموزان» مورد بررسی قرار داد. نتیجه این تحقیق نشان داد که زمینه‌های انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، ریسک‌پذیری و مرکز کنترل درونی دانش‌آموزان بالاتر از سطح میانگین بوده است. یارایی (۱۳۸۳) در مطالعه خود

1. Noheria and Gulati

2. Rashid

3. Brown

با عنوان «بررسی برخی روحیات کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شیراز و مقایسه آن با مدیران صنایع» به این نتیجه دست یافت که مدیران از انگیزه پیشرفت بالاتری نسبت به دانشجویان برخوردارند و ریسک‌پذیری دانشجویان از مدیران صنایع بالاتر بوده است. بدری و همکاران (۱۳۸۳) در تحقیقی که با عنوان «بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان» انجام داده‌اند، به این نتایج دست یافتند که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین بود، اما نمرات ریسک‌پذیری از متوسط نمره معیار پایین‌تر بود. همچنین آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی در دانشجویان موثر نبوده است. کلانتری و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان در عرصه نشریات و مطبوعات» به این نتیجه دست یافتند که بین ویژگی‌های کارآفرینی با دارا بودن آموزش‌های رسمی دانشگاهی، ریسک‌پذیری، داشتن مهارت فردی و خلاقیت، رابطه معناداری وجود دارد و در این میان سهم دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی در توسعه مطبوعات و نشریات کشور بیش از سایر دانش‌آموختگان در رشته‌های دیگر دانشگاهی بوده است. حداد عادل (۱۳۷۹) طی مطالعه‌ای روی عوامل موثر بر رشد و پرورش کارآفرینان از دیدگاه مدیران صنایع ایران، نشان داد که بین کارآفرینی در ویژگی‌های نیاز پیشرفت، نیاز به استقلال، خلاقیت، خطرپذیری عزم و اراده، شرایط کودکی، الگوی نقش تحصیلات و قرار نگرفتن در جایگاه اجتماعی مناسب تفاوت وجود دارد. قمبرعلی و زرافشانی (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان «تعیین شاخص‌های موفقیت کارآفرینان روستایی: با استفاده از تحلیل مقیاس بندی چند بعدی» انجام داده‌اند که نتایج این پژوهش نشان داد که از میان ۱۲ شاخص موفقیت، رضایت درونی، تعادل کار و خانواده و ایجاد سود به ترتیب با بیشترین میانگین به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های موفقیت توسط کارآفرینان رتبه بندی شده‌اند و همچنین نتایج نشان داد که شاخص‌های شخصی دارای اهمیت بیشتری نسبت به شاخص‌های شغلی در نزد کارآفرینان می‌باشند. رویین و همکاران (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان «بررسی میزان ویژگی‌های کارآفرینی در دانشجویان واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی مازندران» انجام داده‌اند که نتایج این پژوهش نشان داد میل به موفقیت، میل به استقلال، میل به خلاقیت، میل به ریسک‌پذیری، عزم و اراده، تحمل ابهام و مرکز کنترل به طور معناداری در بین دانشجویان وجود دارد. و همچنین با مقایسه این ویژگی‌ها در بین دانشجویان دختر و پسر مشخص شد که مولفه عزم و اراده، تحمل ابهام و مرکز کنترل درونی در بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد و در بقیه موارد تفاوتی مشاهده نشد. همچنین مقایسه این ویژگی در بین رشته‌های مختلف تحصیلی معنادار

نبود. کامکاری، شکرزاده و کیومرثی (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان «عوامل سازنده کارآفرینی در مدیران دانشگاه آزاد اسلامی» انجام داده اند، نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل سازنده کارآفرینی در چهار عامل ویژگی شخصیتی، خلاقیت، توانایی مدیریت و هوش هیجانی قرار می‌گیرد. سانفیلد و دیگران^۱ (۲۰۰۱) پژوهشی با عنوان «استعداد کارآفرینی افراد زندانی و مزایای برنامه‌های آموزشی خود اشتغالی» انجام دادند، فرضیه‌های این پژوهش عبارت بودند از:

۱. زندانیان استعداد کارآفرینی مشابه با گروه کارآفرین نرمال دارند.
۲. زندانیان استعداد کارآفرینی بالاتری نسبت به گروه با پیشرفت کم در کارآفرینی دارند.
۳. زندانیان، کارآفرینی پایین تری نسبت به گروه‌های با پیشرفت بالا در کارآفرینی دارند.
۴. زندانیانی که در طرح‌های خوداشتغالی عضویت دارند، نسبت به زندانیانی که در این دوره‌ها حضور ندارند کارآفرینی بالاتری دارند.
۵. استعداد کارآفرینی زندانیان صرف نظر از نوع جرمی که مرتکب شده اند، مشابه است.
۶. استعداد کارآفرینی زندانیان صرف نظر از این که برای مرتبه اول یا به طور مکرر مرتکب جرم شده باشند، با یکدیگر مشابه است. نتایج نشان داد که هیچ تفاوت معناداری بین زندانیان سه زندان دیده نشد. فرضیه اول در سطح $0/01$ مورد تأیید قرار گرفت و تفاوت معنادار بین دو گروه به دست آمد. فرضیه دوم نیز در سطح $0/01$ تأیید شد و نشان داد که زندانیان، کارآفرینی بالاتری نسبت به کارآفرینان با پیشرفت کم دارند. فرضیه سوم نیز در سطح $0/01$ تأیید شد و نشان داد که زندانیان، کارآفرینی پایین تری نسبت به کارآفرینان با پیشرفت بالا دارند. فرضیه چهارم در سطح $0/01$ تأیید شد و نشان داد که زندانیانی که برای دوره‌های خوداشتغالی داوطلب شده بودند، کارآفرینی بالاتری نسبت به سایر زندانیان دارند. فرضیه پنجم نشان داد که زندانیان صرف نظر از نوع جرم شان دارای استعداد کارآفرینی مشابهی بودند و فرضیه ششم نشان داد که تعداد مرتبه ارتکاب جرم با استعداد کارآفرینی زندانیان ارتباطی ندارد. انویک و لانگفورد^۲ (۲۰۰۳) پژوهشی با عنوان «پنج مدل اصلی شخصیتی: مقایسه کارآفرینی زنان و مردان» انجام دادند، این پژوهش بین کارآفرینی زنان و مردان بر اساس پنج مدل شخصیتی تفاوت قائل می‌شود، این پنج فاکتور شخصیتی شامل سازگاری، جامعه پذیری، وظیفه شناسی، توافق و آزادی افکار است. نتایج این پژوهش نشان داد که زنان کارآفرین به شکل معناداری نسبت به مردان صراحت بیشتری داشتند و نسبت به مردان سازگارتر، اجتماعی تر و موافق تر بودند؛ اما نه در سطح معنادار، مردان کارآفرین

1. . Matthew C. Sonfield, Hofstra University, Robert N. Lussier, Springfield College, Robert J. Barbato Rochester Institute of Technology

2. . Brooke R. Envic, St. Mary's University, Margaret Langford, St. Mary's University

نیز به طور معناداری نسبت به زنان وظیفه شناس تر بودند. یورس^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین فرهنگ سازمانی و عملکرد اثربخشی مدیران» نشان می دهد که منبع کنترل درونی یکی از اصلی ترین عوامل افزایش کارآفرینی مدیران می باشد و می تواند بسیار تعیین کننده باشد. رابرتسون^۲ (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «عوامل موثر بر کارآفرینی مدیران» با استفاده از مدل تحلیل مسیر، تعیین نمود که منبع کنترل، عزت نفس و مهارت های مدیران، از عوامل موثر بر کارآفرینی مدیران می باشد. سوزان^۳ (۲۰۰۲) پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین کارآفرینی، ویژگی شخصیتی و سبک رهبری مدیران با عملکرد آنان» انجام داد وی در نتایج یافته های خویش مطرح می سازد که کارآفرینی در بعد سبک رهبری، ارتباط مثبت معنی داری با ویژگی های شخصیتی مدیران نشان می دهند. در حالی که هیچ گونه ارتباط معنی داری بین ویژگی های شخصیتی مدیران با عملکرد آنان مشاهده نشده است. تراپمن و کولی^۴ (۲۰۰۳) «پژوهشی با عنوان عوامل تشکیل دهنده کارآفرینی» انجام داده اند. این پژوهشگران اعلام می کنند که عملکرد مطلوب منتج شده از پنج عامل کارآفرینی مدیران، مهارت های مدیران، سبک های رهبری مدیران، فرهنگ سازمانی و ویژگی های شخصیتی می باشد که از بین پنج عامل فوق، تعهد سازمانی، پس از آن فرهنگ سازمانی و سپس کارآفرینی مدیران، بالاترین ضرایب را نشان می دهند. شوارتز و باردی^۵ (۲۰۰۱) در پژوهشی که در رابطه با شناخت و اهمیت ارزش ها در ۶۳ کشور جهان در بین معلمان و دانشجویان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که ارزش هایی نظیر نیک خواهی، استقلال طلبی و عام گرایی به ترتیب رتبه های اول تا سوم را به خود اختصاص دادند. پس از آن ارزش امنیت طلبی در رتبه چهارم و همنوایی در رتبه پنجم قرار گرفت. در نهایت پیشرفت طلبی، لذت جویی، هیجان طلبی، سنت گرایی و قدرت طلبی اولویت های آخر را به خود اختصاص دادند. فاگنسون^۶ (۱۹۹۳) در بین ۲۵۵ کارآفرین و مدیر مرد و زن انجام گرفت، نتایج نشان داد که نقش های حرفه ای بر ارزش های توصیف شده توسط مدیران و کارآفرینان تاثیر می گذارند و مدیران و کارآفرینان به طور گسترده ای دارای نظام ارزشی متفاوتی هستند. کارآفرینان به ارزش هایی چون خود احترامی، آزادی، احساس پیشرفت و زندگی توأم با هیجان معتقد بودند.

1. . Yours, C. (2004),
2. . Rabertson, A. (2003).
3. . Suzane, R. (2003),
4. . Terapman, H. & Coolin, B. (2003)
5. . Schwartz, S.H., & Bardy, K. (2004).
6. . Fagenson, E. (1993).

سولومن^۱ (۱۹۸۹) با استفاده از رتبه بندی مقیاس ارزشی روکیچ گزارش دادند که جنسیت بر ارزش‌های کارآفرینان تاثیر می‌گذارد، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که مردها به ارزش‌های نهایی همچون لذت، روابط دوستانه، حس پیشرفت، راحتی و رستگاری معتقدند و در مقابل زن‌ها به ارزش‌های سلامتی، عزت نفس، امنیت خانوادگی و آزادی پایبندند. کورانن^۲ (۲۰۰۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ارزش‌های خاصی همچون صداقت، احترام به نیازها، رفاه شخصی، استقلال، احترام به سنت و آگاهی بر تصمیم‌گیری استراتژیکی و تعیین هدف‌های کسب و کارهای خانوادگی اثر مثبت و معنی دار دارند. گاروسکی و آس^۳ (۲۰۰۵) در مورد رابطه بین شاخص‌های موفقیت از دیدگاه کارآفرینان و ارزش‌های آنان در بین کارآفرینان کشور هلند انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین ارزش‌هایی نظیر قدرت طلبی و پیشرفت طلبی و خلاقیت با شاخص‌های موفقیت نظیر رشد کسب و کار و سودآوری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. کوارتر و همکارانش (۱۹۹۳) در تحقیق خودشان به این نتیجه رسیدند که تعامل سه عامل زیر موجب می‌شود که فردی تصمیم به اجرای فعالیت کارآفرینانه ای در سازمان بگیرد یا نگیرد. مشخصات سازمانی: حمایت مدیریت، استقلال (آزادی در کار)، پاداش، دادن، فرصت مشخصات فردی: خطرپذیری، نیاز به استقلال، توفیق طلبی و هدف‌گرایی، مرکز کنترل. حادثه ناگهانی: تقاضای جدید در بازار، تغییرات و تهدیدات، توسعه روش‌های جدید... اگر هر کدام از این عوامل وجود نداشته باشد، از سطح کارآفرینی فرد یا سازمان کاسته می‌شود.

بنابراین به نظر می‌رسد دانش‌آموزانی که در مدارس فنی و حرفه‌ای و کاردانش مشغول به تحصیل هستند و مباحث نظری و مهارت‌آموزی را به صورت توأم در برنامه‌های درسی خود دارند، در زمینه شاخص‌های کارآفرینی از دانش‌آموزان شاخه‌های نظری از سطح بالاتری برخوردار باشند. برای این اساس پژوهش حاضر علاوه بر سنجش میزان کارآفرینی دانش‌آموزان در شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش به بررسی تفاوت این شاخص‌ها در بین دانش‌آموزان این سه شاخه می‌پردازد.

سوال اصلی پژوهش

آیا بین کارآفرینی دانش‌آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری دوره متوسطه شهر تهران تفاوت وجود دارد؟

1. . Fernald, L. and Solomon, G.(1985)

2. . Koiranen, M. (2003).).

3. . Gorgiveski, Marjan. J., Ascalon, Evilina. M., (2005),

سوال‌های ویژه پژوهش

۱. آیا بین انگیزه پیشرفت دانش آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری در دوره متوسطه شهر تهران تفاوت وجود دارد؟
۲. آیا بین استقلال طلبی دانش آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری دوره متوسطه شهر تهران تفاوت وجود دارد؟
۳. آیا بین گرایش به خلاقیت دانش آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری دوره متوسطه شهر تهران تفاوت وجود دارد؟
۴. آیا بین ریسک‌پذیری دانش آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری دوره متوسطه شهر تهران تفاوت وجود دارد؟
۵. آیا بین کنترل درونی دانش آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری دوره متوسطه شهر تهران تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش

برای انتخاب روش مناسب برای انجام این پژوهش، از بین روش‌های علمی شناخته شده با توجه به موضوع و فرضیه‌های پژوهش، مناسب‌ترین روش، روش توصیفی از نوع پیمایشی در نظر گرفته شده است.

آزمودنی‌ها: جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان سال دوم و سوم دبیرستان‌ها و هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش شهر تهران تشکیل می‌دهند که به ترتیب بالغ بر ۲۲۶۳۴۲ نفر، ۴۰۱۵۶ نفر و ۴۰۹۵۴ می‌باشند. حجم نمونه با توجه به جدول مورگان در شاخه‌های نظری ۳۷۹، شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و شاخه کاردانش هر کدام ۳۵۴ انتخاب شدند. نمونه مورد نظر از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده و مناطق ۱۹ گانه به ۵ منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز طبقه بندی شدند. و گروه نمونه از هر منطقه به طور تصادفی و به نسبت انتخاب گردیدند.

روایی پرسشنامه: با توجه این که پرسشنامه مذکور به صورت استاندارد در منابع وجود داشت، با این حال برای تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه، روایی محتوایی آن توسط متخصصان تأیید قرار گرفت.

پایایی پرسشنامه: به منظور برآورد همسانی درونی بین سوال‌ها و مولفه‌ها از روش محاسبه آلفای کرونباخ در يك مطالعه مقدماتی با حجم ۳۵ نفر به ترتیب انگیزه پیشرفت (۰,۸۵)، تمایل

به ریسک و مخاطره (۰,۸۹)، گرایش به خلاقیت (۰,۸۷)، کنترل درونی (۰,۸۶)، نیاز به استقلال (۰,۹۰) و شاخص کلی (۰,۸۹) به دست آمد.

ابزار پژوهش: جمع‌آوری اطلاعات از نوع میدانی، کتابخانه‌ای و شبکه اطلاع‌رسانی اینترنت است و ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه‌ای شامل ۵۴ سوال با درجه بندی لیکرت است که بر اساس نظریه‌های مک‌کلند (۱۹۶۳) جاکوبووتیز و وایلد (۱۹۸۲)، لایز و برونکه‌هاوس (۱۹۸۰)، اتکینسون و روتر (۱۹۶۴) هستند که توسط صمدآقایی (۱۳۸۵) تهیه شده است و شاخص‌های انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک‌پذیری و کنترل درونی را در بر می‌گیرد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به سوال‌ها و موضوع پژوهش از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در آمار توصیفی از میانگین، فراوانی، چولگی، کشیدگی، واریانس، انحراف استاندارد، مد، درصد و... استفاده شد. در آمار استنباطی با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه ANOVA و بوسیله نرم افزار spss محاسبه شد.

یافته‌ها

سوال اصلی پژوهش: آیا بین روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری دوره متوسطه شهر تهران تفاوت وجود دارد؟

جدول (۱): تعداد، میانگین، انحراف معیار و خطای استاندارد روحیه کارآفرینی

خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰,۰۲	۰,۴۴	۳,۵۲	۳۷۹	شاخه نظری
۰,۰۲	۰,۳۸	۳,۸۴	۳۵۴	شاخه فنی و حرفه‌ای
۰,۰۲	۰,۳۹	۳,۸۲	۳۵۴	شاخه کاردانش
۰,۰۱	۰,۴۳	۳,۷۲	۱۰۸۷	مجموع

جدول (۲): خلاصه نتایج آزمون تحلیل واریانس روحیه کارآفرینی

سطح معناداری	آزمون F	میانگین مجزور	درجه آزادی	مجزور مجموع	منبع تغییر پذیری	
۰,۰۰۰	۶۷,۸۳	۱۱,۴۵	۲	۲۲,۹۱	بین گروهی	روحیه کارآفرینی
		۰,۱۶	۱۰۸۴	۱۸۳,۰۹	درون گروهی	
			۱۰۸۶	۲۰۶	مجموع	

F محاسبه شده (۶۷,۸۳) با درجه آزادی (۲) در سطح معناداری (۰,۰۱) نشان می دهد که به طور معناداری بین روحیه کارآفرینی دانش آموزان شاخه های فنی و حرفه ای، کاردانش و نظری تفاوت وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده به ترتیب از بیشترین به کمترین بدین صورت است، شاخه فنی و حرفه ای (۳,۸۴)، شاخه کاردانش (۳,۸۲) و شاخه نظری (۳,۵۲).

همچنین آزمون تعقیبی LSD به طور مجزا نشان می دهد:

بین روحیه کارآفرینی دانش آموزان شاخه نظری با فنی و حرفه ای در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد و میانگین شاخه فنی و حرفه ای (۳,۸۴) بیشتر از شاخه نظری (۳,۵۲) می باشد. بین روحیه کارآفرینی دانش آموزان شاخه نظری با شاخه کاردانش در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد و میانگین شاخه کاردانش (۳,۸۲) بیشتر از شاخه نظری (۳,۵۲) می باشد. همچنین تفاوت معناداری در سطح (۰/۰۵) بین روحیه کارآفرینی دانش آموزان شاخه فنی و حرفه ای و کاردانش وجود ندارد.

سوال اول: آیا بین انگیزه پیشرفت دانش آموزان شاخه های فنی و حرفه ای، کاردانش و نظری در دوره متوسطه شهر تهران تفاوت وجود دارد؟

جدول (۳): تعداد، میانگین، انحراف معیار و خطای استاندارد مولفه انگیزه پیشرفت

خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
0.02	0.55	3.58	379	شاخه نظری
0.02	0.47	3.85	354	شاخه فنی و حرفه ای
0.02	0.47	3.75	354	شاخه کاردانش
۰,۰۱	0.51	3.73	1087	مجموع

جدول (۴): نتایج آزمون تحلیل واریانس مولفه انگیزه پیشرفت

سطح معناداری	آزمون F	میانگین مجذور	درجه آزادی	مجذور مجموع	منبع تغییر پذیری	
۰,۰۰۰	۲۶,۵۷	۶,۸۲	۲	۱۳,۶۵	بین گروهی	مولفه انگیزه پیشرفت
		۰,۲۵۷	۱۰۸۴	۲۷۸,۴۶	درون گروهی	
			۱۰۸۶	۲۹۲,۱۲	مجموع	

F محاسبه شده (۲۶,۵۷) با درجه آزادی (۲) در سطح معناداری (۰,۰۱) نشان می‌دهد که به طور معناداری بین مولفه انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده به ترتیب از بیشترین به کمترین بدین صورت است، شاخه فنی و حرفه‌ای (۳,۸۵)، شاخه کاردانش (۳,۷۵) و شاخه نظری (۳,۵۸).

همچنین آزمون تعقیبی LSD به طور مجزا نشان می‌دهد: بین مولفه انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان شاخه نظری با فنی و حرفه‌ای در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد و میانگین شاخه فنی و حرفه‌ای (۳,۸۵) بیشتر از میانگین شاخه نظری (۳,۵۸) است. بین مولفه انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان شاخه نظری با شاخه کاردانش در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد و میانگین شاخه کاردانش (۳,۷۵) بیشتر از میانگین شاخه نظری (۳,۵۸) است. همچنین تفاوت معناداری در سطح (۰/۰۱) بین مولفه انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش وجود دارد و همچنین میانگین شاخه فنی و حرفه‌ای برابر (۳,۸۵) بیشتر از میانگین شاخه کاردانش برابر (۳,۷۵) است.

سوال دوم: آیا بین استقلال طلبی دانش‌آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری دوره متوسطه شهر تهران تفاوت وجود دارد؟

جدول (۵): تعداد، میانگین، انحراف معیار و خطای استاندارد مولفه استقلال طلبی

خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
0.03	0.63	۳,۵۷	۳۷۹	شاخه نظری
0.02	0.52	۳,۹۰	۳۵۴	شاخه فنی و حرفه ای
0.02	0.51	۳,۸۹	۳۵۴	شاخه کاردانش
۰,۰۱	0.58	۳,۷۸	۱۰۸۷	مجموع

جدول (۶): نتایج آزمون تحلیل واریانس مولفه استقلال طلبی

سطح معناداری	آزمون F	میانگین مجذور	درجه آزادی	مجذور مجموع	منبع تغییر پذیری	
۰,۰۰۰	۴۱,۶۴	۱۳,۱۱۷	۲	۲۶,۳۵	بین گروهی	مولفه استقلال طلبی
		۰,۳۱	۱۰۸۴	۳۴۱,۴۳	درون گروهی	
			۱۰۸۶	۳۶۷,۶۶	مجموع	

F محاسبه شده (۴۱,۶۴) با درجه آزادی (۲) در سطح معناداری (۰,۰۱) نشان می دهد که به طور معناداری بین مولفه استقلال طلبی دانش آموزان شاخه های فنی و حرفه ای ، کاردانش و نظری تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده به ترتیب از بیشترین به کمترین بدین صورت است شاخه فنی و حرفه ای (۳,۹۰) ، شاخه کاردانش (۳,۸۹) و شاخه نظری (۳,۵۷).

همچنین آزمون تعقیبی LSD به طور مجزا نشان می دهد:

بین مولفه استقلال طلبی آموزان شاخه نظری با فنی و حرفه ای در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد و میانگین شاخه فنی و حرفه ای برابر (۳,۹۰) بیشتر از شاخه نظری (۳,۵۷) می باشد.

بین مولفه استقلال طلبی دانش آموزان شاخه نظری با شاخه کاردانش در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد و میانگین شاخه کاردانش برابر (۳,۸۹) بیشتر از شاخه نظری (۳,۵۷) است.

همچنین تفاوت معناداری در سطح (۰/۰۵) بین مولفه استقلال طلبی دانش آموزان شاخه فنی و حرفه ای و کاردانش وجود ندارد.

سوال سوم: آیا بین گرایش به خلاقیت دانش‌آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری دوره متوسطه شهر تهران تفاوت وجود دارد؟

جدول (۷): تعداد، میانگین، انحراف معیار و خطای استاندارد مولفه گرایش به خلاقیت

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد
۳۷۹	۳,۵۹	۰,۵۴	۰,۰۲
۳۵۴	۳,۹۸	۰,۴۴	۰,۰۲
۳۵۴	۳,۸۹	۰,۴۸	۰,۰۲
۱۰۸۷	۳,۸۲	۰,۵۲	۰,۰۱

جدول (۸): نتایج آزمون تحلیل واریانس مولفه گرایش به خلاقیت

منبع تغییر پذیری	مجموع مجذور	درجه آزادی	میانگین مجذور	آزمون F	سطح معناداری
بین گروهی	۳۱,۲۵	۲	۱۵,۶۴	۶۳,۵۲	۰,۰۰۰
مولفه گرایش به خلاقیت	۲۶۶,۳۹	۱۰۸۴	۰,۲۴		
مجموع	۲۹۸,۲۱	۱۰۸۶			

F محاسبه شده (۶۳,۵۲) با درجه آزادی (۲) در سطح معناداری (۰,۰۱) نشان می‌دهد که به طور معناداری بین مولفه گرایش به خلاقیت دانش‌آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری تفاوت وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده به ترتیب از بیشترین نمره به کمترین نمره بدین صورت است، شاخه فنی و حرفه‌ای (۳,۹۸) شاخه کاردانش (۳,۸۹) و شاخه نظری (۳,۵۹).

همچنین آزمون تعقیبی LSD به طور مجزا نشان می‌دهد: بین مولفه گرایش به خلاقیت آموزان شاخه نظری با فنی و حرفه‌ای در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد و میانگین شاخه فنی و حرفه‌ای (۳,۹۸) بیشتر از شاخه نظری (۳,۵۹) است.

بین مولفه گرایش به خلاقیت آموزان شاخه نظری با شاخه کاردانش در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد و میانگین شاخه کاردانش (۳,۸۹) بیشتر از شاخه نظری (۳,۵۹) است. همچنین تفاوت معناداری در سطح (۰/۰۵) بین مولفه گرایش به خلاقیت دانش آموزان شاخه فنی و حرفه ای و کاردانش وجود دارد و همچنین میانگین شاخه فنی و حرفه ای (۳,۹۸) بیشتر از شاخه کاردانش (۳,۸۹) است.

سوال چهارم: آیا بین ریسک پذیری دانش آموزان شاخه های فنی و حرفه ای، کاردانش و نظری دوره متوسطه شهر تهران تفاوت وجود دارد؟

جدول (۹): تعداد، میانگین، انحراف معیار و خطای استاندارد مولفه ریسک پذیری

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد
۳۷۹	۳,۴۶	۰,۵۵	۰,۰۲
۳۵۴	۳,۷۵	۰,۴۶	۰,۰۲
۳۵۴	۳,۸۵	۰,۴۶	۰,۰۲
۱۰۸۷	۳,۶۸	۰,۵۲	۰,۰۱

جدول (۱۰): نتایج آزمون تحلیل واریانس مولفه ریسک پذیری

منبع تغییر پذیری	مجموع مجذور	درجه آزادی	میانگین مجذور	آزمون F	سطح معناداری
بین گروهی	29.81	2	14.90	59.50	۰,۰۰۰
درون گروهی	۲۷۱,۵۹	۱۰۸۴	۰,۲۵		
مجموع	۳۰۱,۴	۱۰۸۶			

F محاسبه شده (۵۹,۵۰) با درجه آزادی (۲) در سطح معناداری (۰,۰۱) نشان می دهد که به طور معناداری بین مولفه ریسک پذیری دانش آموزان شاخه های فنی و حرفه ای، کاردانش و نظری تفاوت وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده به ترتیب از بیشترین به کمترین بدین صورت است شاخه کاردانش (۳,۸۵)، شاخه فنی و حرفه ای (۳,۷۵)، و شاخه نظری (۳,۴۶).

همچنین آزمون تعقیبی LSD به طور مجزا نشان می‌دهد: بین مولفه ریسک‌پذیری آموزان شاخه نظری با فنی و حرفه‌ای در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد و میانگین شاخه فنی و حرفه‌ای (۳,۷۵) بیشتر از میانگین شاخه نظری (۳,۴۶) است. بین مولفه ریسک‌پذیری آموزان شاخه نظری با شاخه کاردانش در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد و میانگین شاخه کاردانش (۳,۸۵) بیشتر از شاخه نظری (۳,۴۶) است. همچنین تفاوت معناداری در سطح (۰/۰۵) بین مولفه ریسک‌پذیری دانش‌آموزان شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش وجود ندارد.

سوال پنجم: آیا بین کنترل درونی دانش‌آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری دوره متوسطه شهر تهران تفاوت وجود دارد؟
جدول (۱۱): تعداد، میانگین، انحراف معیار و خطای استاندارد مولفه کنترل درونی

خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰,۰۲	۰,۵۵	۳,۴۱	۳۷۹	شاخه نظری
۰,۰۲	۰,۴۷	۳,۶۹	۳۵۴	شاخه فنی و حرفه‌ای
۰,۰۲	۰,۴۷	۳,۷۰	۳۵۴	شاخه کاردانش
۰,۰۱	۰,۵۲	۳,۶۰	۱۰۸۷	مجموع

جدول (۱۲): نتایج آزمون تحلیل واریانس مولفه کنترل درونی

سطح معناداری	آزمون F	میانگین مجذور	درجه آزادی	مجذور مجموع	منبع تغییر پذیری	
0.000	41.11	10.45	2	۲۰,۹۱	بین گروهی	مولفه کنترل درونی
		0.25	1084	275.76	درون گروهی	
			1086	296.67	مجموع	

F محاسبه شده (۴۱,۱۱) با درجه آزادی (۲) در سطح معناداری (۰,۰۰۱) نشان می‌دهد که به

طور معناداری بین مولفه کنترل درونی دانش آموزان شاخه‌های فنی و حرفه ای، کاردانش و نظری تفاوت وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده به ترتیب از بالا به پایین بدین صورت است: شاخه کاردانش (۳,۷۰)، شاخه فنی و حرفه ای (۳,۶۹)، و شاخه نظری (۳,۴۱). همچنین آزمون تعقیبی LSD به طور مجزا نشان می دهد: بین مولفه کنترل درونی آموزان شاخه نظری با فنی و حرفه ای در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد و میانگین شاخه فنی و حرفه ای (۳,۶۹) بیشتر از شاخه نظری (۳,۴۱) است. بین مولفه کنترل درونی آموزان شاخه نظری با شاخه کاردانش در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد و میانگین شاخه کاردانش (۳,۷۰) بیشتر از شاخه نظری (۳,۴۱) است. همچنین تفاوت معناداری در سطح (۰/۰۵) بین مولفه کنترل دانش آموزان شاخه فنی و حرفه ای و کاردانش وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهشی سوال اصلی پژوهش نشان داد که بین روحیه کارآفرینی دانش آموزان شاخه‌های فنی و حرفه ای، کاردانش و نظری در سطح معناداری (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد. نتایج این سوال پژوهشی با نتایج پژوهش‌های خدمتی توسل (۱۳۷۹)، یارایی (۱۳۸۳)، بدری و همکاران (۱۳۸۳)، کلاتتری و همکاران (۱۳۸۳)، حداد عادل (۱۳۷۹)، قمبرعلی و زرافشانی (۱۳۸۷)، رویین و همکاران (۱۳۸۷)، کامکاری و کیومرثری (۱۳۸۷)، سانفیلد و همکاران (۲۰۰۱)، یورس (۲۰۰۴)، انویک و لانگفورد (۲۰۰۳)، رابرتسون (۲۰۰۳)، سوزان (۲۰۰۲)، تراپمن و کولی (۲۰۰۳)، شورانز و باردی (۲۰۰۱)، فاگنسون (۱۹۹۳)، سولمن (۱۹۸۹)، کورانن (۲۰۰۲)، گاروسکی و آس (۲۰۰۵)، کوارتر (۱۹۹۳) هماهنگ است. یافته‌های پژوهشی سوال (۱) نشان داد که بین مولفه انگیزه پیشرفت دانش آموزان شاخه‌های فنی و حرفه ای، کاردانش و نظری در سطح معناداری (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد. نتایج این سوال با نتایج خدمتی توسل (۱۳۷۹)، بدری و همکاران (۱۳۸۳)، حداد عادل (۱۳۷۹)، قمبرعلی و زرافشانی (۱۳۸۷)، رویین و همکاران (۱۳۸۷)، سانفیلد و همکاران (۲۰۰۱)، انویک و لانگفورد (۲۰۰۳)، سولمن (۱۹۸۹)، گاروسکی و آس (۲۰۰۵) و کوارتر و همکارانش (۱۹۹۳) هماهنگ است. یافته‌های پژوهشی سوال (۲) نشان داد، بین استقلال طلبی دانش آموزان شاخه‌های فنی و حرفه ای، کاردانش و نظری در سطح معناداری (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد. نتایج این سوال با نتایج پژوهش‌های خدمتی توسل (۱۳۷۹)، بدری و همکاران (۱۳۸۳)، حداد عادل (۱۳۷۹)، سانفیلد و همکاران (۲۰۰۱)، انویک و لانگفورد (۲۰۰۳)،

فاگنسون (۱۹۹۳) و سولومن (۱۹۸۹) هماهنگ است. یافته‌های پژوهشی سوال (۳) نشان داد، بین گرایش به خلاقیت دانش‌آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد. نتایج این سوال با نتایج پژوهش‌های خدمتی توسل (۱۳۷۹)، بدری و همکاران (۱۳۸۳)، کلانتری و همکاران (۱۳۸۳)، حداد عادل (۱۳۷۹)، روبین و همکاران (۱۳۸۷)، سانفیلد و همکاران (۲۰۰۱)، انویک و لانگفورد (۲۰۰۳)، فاگنسون (۱۹۹۳) و سولومن (۱۹۸۹) هماهنگ است. یافته‌های پژوهشی سوال (۴) نشان داد، بین ریسک‌پذیری دانش‌آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد. نتایج این سوال با نتایج پژوهش‌های خدمتی توسل (۱۳۷۹)، یارایی (۱۳۸۳)، بدری و همکاران (۱۳۸۳)، کلانتری و همکاران (۱۳۸۳)، حداد عادل (۱۳۷۹)، سانفیلد و همکاران (۲۰۰۱)، انویک و لانگفورد (۲۰۰۳)، فاگنسون (۱۹۹۳) و سولومن (۱۹۸۹) هماهنگ است. یافته‌های پژوهشی سوال (۵) نشان داد، بین کنترل درونی دانش‌آموزان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری در سطح (۰/۰۱) تفاوت وجود دارد. نتایج این سوال با نتایج پژوهش‌های خدمتی توسل (۱۳۷۹)، بدری و همکاران (۱۳۸۳)، کلانتری و همکاران (۱۳۸۳)، روبین و همکاران (۱۳۸۷)، سانفیلد و همکاران (۲۰۰۱)، انویک و لانگفورد (۲۰۰۳)، فاگنسون (۱۹۹۳) و سولومن (۱۹۸۹) هماهنگ است. این نتایج به این معنی است که در شاخه فنی و حرفه‌ای عمدتاً روی مهارت‌های کارآفرینی از قبیل انگیزه پیشرفت، تمایل به ریسک و مخاطره، گرایش به خلاقیت، کنترل درونی و نیاز به استقلال توجه بیشتری شده و محتوای آموزش دوره‌ها در این شاخه از آموزش، به محوریت تقویت روحیه و توانایی کارآفرینان و ویژگی‌های آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند و آموزش‌های لازم را ارائه می‌دهند. لذا چنانچه سایر شاخه‌ها مانند نظری و کاردانش نیز بخواهند نقطه ضعف خود را در این زمینه رفع کنند، باید در مباحث نظری دوره و محتوای آموزش‌ها تجدید نظر کنند. همچنین می‌توان گفت که در شاخه نظری بیشتر واحدهای درسی به صورت نظری ارائه می‌گردد و دانش‌آموزان بیشتر با مسائل تئوری سروکار دارند، و بر عکس در شاخه کاردانش دانش‌آموزان بیشتر دروس را به صورت عملی یاد می‌گیرند و فقط با کار عملی دروس خود را طی می‌کنند. همچنین با توجه به این که در این پژوهش نشان داده شد که شاخه فنی و حرفه‌ای از نظر روحیه کارآفرینی از میانگین بالاتری نسبت به شاخه نظری و کاردانش برخوردار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که روحیه کارآفرینی در صورتی در دانش‌آموزان پرورش می‌یابد که آموزش‌های لازم به صورت توأم هم لحاظ عملی و هم از لحاظ تئوری همراه باشد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می شود که اقداماتی به منظور اصلاح و بازنگری در برنامه های آموزشی برای ارتقای سطح قابلیت های کارآفرینی در نظام آموزشی بویژه در دبیرستان ها (رشته های نظری) صورت پذیرد.

ایجاد انکوباتورها (مراکز رشد) و آموزش قابلیت های کارآفرینی در برنامه درسی می تواند گامی در جهت بهبود این شاخص ها در دانش آموزان باشد.

راهنمایی علمی، بستر سازی، حمایت های مشاوره ای و مالی لازم از طرح های کارآفرینانه دانش آموزان نیز می تواند در این زمینه راهگشا باشد.

ایجاد واحدهای درسی به صورت عملی و نظری بصورت توأم (دوره های ساندویچی) در زمینه پرورش روحیه کارآفرینی در بین دانش آموزان نیز می تواند مفید باشد.

ایجاد دوره های طرح کاد برای دانش آموزان که بتوانند به صورت عملی با محیط و مواد لازم درگیر شوند و از این طریق مهارت و توانایی لازم برای ایجاد طرح کارآفرین را داشته باشند.

برگزاری سمینارهای تخصصی در زمینه کارآفرینی در سطح مدارس و آموزشگاه ها برای دانش آموزان.

پیشنهاد می شود که برای توسعه فعالیت های کارآفرینی، به خصوص در بین فارغ التحصیلان هنرستانی و کاردانش، برنامه های جامعه برای جلب سرمایه گذاری بخش خصوصی، تعاونی و بانک ها در این زمینه طراحی و تدوین شود تا از پروژه های کارآفرینان فارغ التحصیلان حمایت کنند.

پیشنهاد می شود که وزارت آموزش و پرورش به منظور ترویج روحیه کارآفرینی و توسعه آن در بین دانش آموزان، اقدام به تشکیل انجمن دانش آموختگان کارآفرین نماید تا از طریق ارتباط آن ها بعد از فراغت از تحصیل نیز با مدرسه قطع نشود.

منابع

۱. احمد پورداریانی. محمود، مقیمی، محمد، «نقش آموزش کارآفرینی در بهبود دانش صاحبان کسب و کار کوچک»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۱۳، تیرماه ۸۰.
۲. احمدپور داریانی، محمود و محمد عزیزی (۱۳۸۳): «کارآفرینی»، موسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم، چاپ اول، تهران.
۳. آذرهوش، فریدون (۱۳۷۹)، «میزگرد توسعه کارآفرینی، تنگناها و راهکارها» ماهنامه تدبیر، شماره ۹۰.
۴. آقا زاده، هاشم و حسین، رضا زاده (۱۳۸۳)، «کارآفرینی سازمانی» ماهنامه تدبیر شماره ۱۰۲
۵. بدری، احسان. لیاقت دار، محمد جواد. عابدی، محمدرضا. جعفری، ابراهیم (۱۳۸۵)، «بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان» سایت جهاد دانشگاهی WWW.SID.IR
۶. پرداختچی، حسن. شفیع زاده، حمید. (۱۳۸۵)، «درآمدی بر کارآفرینی سازمانی»، چاپ اول، انتشارات ارسباران، تهران
۷. حداد عادل، منیژه (۱۳۷۹)، «بررسی عوامل موثر بر رشد و پرورش کارآفرینان از دیدگاه مدیران صنایع» پایان نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۸. خدمتی توسل، بی نام، (۱۳۷۹)، «بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
۹. ذبیحی، محمدرضا و مقدسی، علیرضا، (۱۳۸۵)، «کارآفرینی از تئوری تا عمل»، نشر جهان فردا، مشهد.
۱۰. رویین حسین، علیزاده. رحمت، فرجی نجار کلایی. علی، «بررسی میزان ویژگی‌های کارآفرینی در دانشجویان واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران»، مجموعه مقاله همایش ملی کارآفرینی؛ فرهنگ و جامعه با تاکید بر تربیت تکنسین دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، چهارم اردیبهشت ۱۳۸۷.
۱۱. قمبرعلی، رضوان و زرافشانی، کیومرث، «سلسله مراتب نظام ارزشی کارآفرینی استان کرمانشاه» مجموعه مقاله همایش ملی کارآفرینی؛ فرهنگ و جامعه با تاکید بر تربیت تکنسین دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، چهارم اردیبهشت ۱۳۸۷.
۱۲. کامکاری. کامبیز، شکرزاده. فیروز، کیومرثی، «عوامل سازنده کارآفرینی در مدیران دانشگاه

- آزاد اسلامی» مجموعه مقاله همایش ملی کارآفرینی؛ فرهنگ و جامعه با تاکید بر تربیت تکنسین دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، چهارم اردیبهشت ۱۳۸۷.
۱۳. کلانتری، صمد، ربانی، رسول، و هزارجریبی، جعفر، (۱۳۸۳) «بررسی میزان کارآفرینی دانش آموختگان در عرصه نشریات و مطبوعات» نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳.
۱۴. مرادی، نرگس، (۱۳۸۵)، «مدیریت کارآفرینی»، انتشارات موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، کرج.
۱۵. وارث، سید حامد (۱۳۷۸)، «کارآفرینی دولتی»، فصل نامه تحول اداری شماره ۲۰.
۱۶. یارایی، بی نام، ۱۳۸۳، «بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز»، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه شیراز.
17. Brooke R. Envick, (2003) St. Mary's University, Margaret Langford, St. Mary's University
18. Fagenson, E. (1993). Personal Value Systems of men & Women Entrepreneurs Versus managers. *Journal of Business Venturing*, 8, 5.
19. Gorgiveski, Marjan. J., Ascalon, Evilina. M., (2005), Entrepreneurial Success: What it means to different type of entrepreneurs. *European Conference on work and organization al psychology*, Istanbul.
20. Koironen, M. (2003). Over 100 years of edge but still entrepreneurially active in Business: Exploring the Values and family Characteristics of old finish firms. *Family Business Review*. 15(3).
21. Matthew C. Sonfield (2001), Hofstra University, Robert N. Lussier, Springfield College, Robert J. Barbato Rochester Institute of Technology
22. Robertson, A. (2003), The Efficiency Factors on the Managers Performance, *Public: Management Journal*, Vol:15, Page :20-32.
23. Schwartz, S.H., & Bardy, K. (2004). Evaluating the structure of human Values with Confirmatory factor analysis. *Journal of research in Personality Factors*. *Psychological Reports*
24. Suzane, R. (2003), The Relation Between Entrepreneurship, *Management Journal*, Vol:25, Page 32-56.
25. Terapman, H. & Coolin, B. (2003). Performance Factors, *Public: Mc Growhill*, Vol: 25, Page. 12-25.
26. Yours, C. (2004), The Relation Between Organization Culture With Managers Performance, Welfare and Efficiency, *Public: Psychology Journal*, Vol: 23. Page: 76-89.